



# چهارده خورشید

www.14khorshid.ir اعتقادی، فرهنگ

\* کتابخانه چهارده خورشید

\* دانلود کتاب های مذهبی، اعتقادی

\* دانلود مقالات در زمینه های مختلف اسلامی

ورود به سایت فرهنگی اعتقادی چهارده خورشید

<http://14khorshid.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم



## حوزه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام یاسوج

معاونت پژوهش

موضوع تحقیق/تلخیص:

عدل الهی

استاد راهنما:

حاج آقا افشار

پژوهش گر:

علی محمدی

سال تحصیلی:

۹۱-۹۲

نیم سال:

اول

  
چهارمده خورشید

هشدار

\* کله حقوق این مقاله متعلق به نویسنده وسایت فرهنگی چهارده خورشید می باشد.  
\* هرگونه سوء استفاده از این مقاله شرعاً وقانوناً جایز نمی باشد.

ورود به سایت

کلید واژه:

معانی عدل

عدل الهی

عدالت خداوند در قرآن

دعوت قرآن به عدل

خصوصیت ذاتی بشر

جبر

حق و باطل

## الف: مقدمه

یکی از مسائلی که در علم کلام مورد بحث واقع شد مسئله ی

عدل الهی بود که آیا خداوند عادل است یا نه؟

این مسئله ئخیلی اهمیت پیدا کرد و شاخه ها و متفرعات زیاد

پیدا کرد. این مسئله از مسئله حادث بودن و قدیم بودن کلام

الهی هم با آنکه آن مسئله فتنه ها به پا کرد و خون هاد برایش

ریخته شد بیشتر اهمیت پیدا کرد. بطوری که بواسطه ی نفی

واثبات در این مسئله - عدل - متکلمین دو نحله شدند:

۱. عدلیه: یعنی طرفدارن اصلی عهدل الهی

۲. غیر عدلیه: یعنی منکرین اصل عدل الهی<sup>(۱)</sup>

که ما در این تحقیق برآنیم که در این موضوع - عدل

الهی - سیری بکنیم و ببینیم که خداوند سبحان عادل است یا

نه؟

## ب: تعریف عدل

تا مفهوم اصلی و دقیق عدل روشن نشود هر کوششی بیهوده است و از اشتباهات مصون نخواهیم ماند تعاریفی برای عدل کرده اند که ما در این جا به برخی از این ها اشاره می کنیم.

(۱) موزون بودن: عدل به معنی تناسب و توازن، از شئون حکیم بودن و علیم بودن خداوند است. خداوند علیم و حکیم به مقتضای علم شامل و حکمت عام خود می داند که برای ساختمان هر چیزی؛ از هر چیزی چه اندازه لازم و ضروری است. همان اندازه در آن قرار می دهد.

(۲) تساوی و نفی هر گونه تبعیض است: گاهی که می گویند فلانی عادل است؛ منظور این است که هیچ گونه تفاوتی میان افراد قائل نمی شود. بنابراین عدل یعنی مساوات.

اگر مقصود این باشد که عدالت ایجاب می کند که هیچ گونه استحقاقی رعایت نگردد و با همه چیز و همه کس با یک چشم نظر شود، این عدالت عین ظلم است.

و اگر مقصود این باشد که عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق های متساوی از لوازم عدل است، و ولی در

این صورت بازگشت این معنی به معنی سومی است که ذکر خواهد شد.

۳) رعایت حقوق افراد و عطاء کردن به هر ذی حقی، حق او را،

معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری؛ باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند؛ همین معنی است این عدالت متکی بر دو چیز است:

۱. حقوق و اولویت ها: یعنی افراد بشر نسبت به هم دیگر و در مقایسه با

یکدیگر، نوعی حقوق اولویت پیدا کنند. مثلاً کسی با کار خود محصولی تولید می کند طبعاً نوعی اولویت نسبت به آن محصول پیدا می کند و منشأ این اولویت، کار و فعالیت اوست.

۲. یکی دیگر خصوصیت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده است که

در کارهای خود الزاماً نوعی اندیشه ها که آن هارا اندیشه اعتباری می

نامیم استخدام می کند.

(۴) رعایت استحقاق ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه رحمت به آن چه امکان وجود یا کمال وجود دارد. موجودات در نظام هستی از نظر قابلیت ها و امکان فیض گیری از مبدأ هستی با یک دیگر متفاوتند؛ هر موجودی در هر رتبه ای هست از نظر قابلیت استفاضه، استحقاقی خاص به خود دارد.

ذات مقدس حق که کمال مطلق و خیر مطلق و قیاض علی الاطلاق است، به هر موجودی آن چه را که برای او ممکن است از وجود کمال وجود، اعطاء میکند و امساک نمی نماید. عدل الهی در نظام تکوین، طبق این نظریه، یعنی هر موجودی، هر درجه از وجود و کمال وجود که استحقاق و امکان آن را دارد دریافت می کند. با به عبارتی دیگر عدل در دستگاه خداوند متعال یعنی عطاء کردن به هر موجودی آن چه که سزاوار آن است. و ظلم مانع عطاء کردن به هر موجودی نسبت به آن چه مستحق آن بوده است.

مفهوم و معنی عدالت یعنی اینکه استحقاقهای طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هر کس مطابق آنچه به حسب کار و استعداد و لیاقت دارد داده شود.<sup>(۲)</sup>

از نظر حکمای الهی، صفت عدل آن چنان که لایق ذات پروردگار است و به عنوان یک صفت کمال برای ذات احدیت اثبات می شود به این معنی است و صفت ظلم که نقص است و از او سلب می گردد، نیز به همین معنی است که اشاره شد.

حکماء معتقدند که هیچ موجودی بر «خداوند متعال» حقی پیدا نمی کند، که دادن آن حق (انجام وظیفه و اداء دین) شمرده شود. و خداوند از آن جهت عادل شمرده شود که به دقت تمات و ظایف خود را در برابر دیگران انجام می دهد. عدل خداوند متعال عین فضل و عین وجود اوست؛ یعنی عدل خداوند

---

۱. مطهری . مرتضی . سیری در نهج البلاغه . ص ۱۱۸



عبارت است از این که خداوند متعال فضلش را از هیچ موجودی در هر حدی که امکان تفضل برای آن موجود باشد، دریغ نمی دارد.

این است معنی سخن مولایمان امیر المؤمنین (علیه السلام) که می فرماید: حق یک طرفی نیست، هر کسی که بر عهده دیگری حق پیدا می کند دیگری هم بر عهده ی او حقی پیدا می کند. و موجودات در برابر او وظیفه و مسؤولیت پیدا می کنند، اما هیچ موجودی بر خداوند سبحان حق پیدا نمی کند.<sup>(۱)</sup> (اشهد أنه عدلٌ عدلٌ)<sup>(۲)</sup> یعنی که شهادت می دهم که خداوند عدل است و دادگر و دادرس و جداکننده حق و باطل.

مسئله عدل الهی بر دو قسم است:

۱) یکی این که آیا خلقت و تکوین عالم از آسمان و زمینف از جماد و نبات و حیوان، از دنیا و آخرت بر موازین عدالت و موافق عدالت است و در خلقت و آفرینش به هیچ موجودی ظلم نمی شود، و این عالم به عدل پا بر جاست.

۲) یا این که چون اراده و مشیتش مطلق است و هیچ چیز نمی تواند اراده او

---

۱. مطهری. مرتضوی. عدل الهی. ص ۵۸

۲. دشتی. محمد. ترجمه نهج البلاغه. خ ۲۱۴. ص ۳۲۰

را محدود کند، فعال ما یشاء است، «یفعل ما یشاء»<sup>(۱)</sup> یحکم ما  
یرید»<sup>(۲)</sup> است. خلقتش تابع هیچ میزان و هیچ قاعده و قانونی  
نیست، هر چه او بکند عدل است نه اینکه هر چه مقتضای  
عدل است او می کند.<sup>(۳)</sup>

لهذا در جواب این سؤال که آیا خداوند در قیامت بر وفق  
موازینی که موازین عدل است رفتار می کند و طبق حساب  
وقاعده ای یکی را به بهشت می برد و دیگری را به جهنم؟ یا  
این طور نیست؟

آن ها گفته اند که این طور نیست، هیچ، قانون و ناموسی نمی  
تواند حاکم بر فعل حق باشد.

هر قانون و ناموسی تابع فعل او و امر او است، عدل و ظلمک هم  
تابع فعل او است اگر او مطیع را به جهنم ببرد و عاصی را به  
بهشت ببرد چون او کرده عدل است. اراده او و فعل او تابع  
میزانی و خاضع در برابر قانونی نیست، همه قوانین و موازین تابع  
اراده او هستند.<sup>(۴)</sup>

---

۱.. آل عم ————— ران / ۴۰

۲.. مائ ————— ده / ۱

۳.. مطهری. مرتضی. بیست گفتار. ص ۳۴

۴.. دستغیب. عبدالحسین. عدل. ص ۶۴

در حالی که خداوند قائم بالقسط است، و می فرماید:  
کار خداوند عادل روی میزان عدل است و معلل به اغراض  
است از هر چه مفسده و قبیح است، دستگاه خلقت از آن برکنار  
و هر چه صلاح است واقع می شود.

نسبت به افعال اختیاری بشر، شیعه و معتزله می گویند: که جبر  
نیست و اشاعره قائل به جبر هستند. نه این که می گویند  
خداوند ظالم است بلکه منکر قبح ظلم هستند. می گویند:  
خوبی و بدی را ما می تراشیم و ما در کار خداوند نباید قضاوت  
کنیم، و خوبی و زشتی راه ندارد. افعال بشر هم بدون اختیار  
است در عین حال عذابش هم قبیح نیست. عدلیه (شیعه  
و معتزله) گویند که اگر جبر است عقابش هم قبیح است، به هر  
حال اشاعره منکر امر بدیهی و حسن و قبح می شوند. لوازم فساد  
مذهبشان جبر است همان طور که قائلین به عدل، جبری نمی  
شوند و به حسن و قبح قائلند.<sup>(۱)</sup>

جبر بر خلاف وجدان است و قطعاً جبر غلط است که بگوییم  
بشر اختیاری ندارد.

این که می گویی این کنم یا آن کنم

خود دلیل اختیار است ای صنم

هر انسان با وجدان می فهمد در کارهایش اراده و اختیار دارد. نه این که او را می برند. هر کس که به مسجد می رود به اختیار خودش می رود و هر کس که به مجلس فسق می رود به اختیار خودش می رود. اگر کلمه خیری گفت می فهمد خودش گفته و اگر شری گفت هم همین طور.

به قول محقق قمی هزار دلیل هم برای جبر بیاورید در برابر وجدان فایده ای ندارد؛ بطلان جبر آشکار است هر صاحب وجدانی می فهمد بدون اراده در گناه یا طاعت نمی افتد بلکه فاعل مختار است.<sup>(۱)</sup>

### ج: قرآن و عدالت پرورگار

در آیات قرآن این مسأله بسیار تأکید شده است، در یک جا می فرماید: «انّ الله لا یظلم الناس شیئاً ولکنّ الناس انفسهم یظلمون»<sup>(۲)</sup> خداوند به هخیح کس ستم نمی کند این مردم هستند که به خودشان ظلم و ستم روا می دارند.

در جایی دیگری می فرماید: «انّ الله لا یظلم مثقال ذره...»<sup>(۳)</sup> «خداوند حتی به اندازه ی نگینی ذره ی کوچکی ظلم و ستم بر هیچ کس روا نمی دارد.

---

۱.. مطهری. مرتضی. بیست گفتار. ص ۹۴

۲.. یونس / ۴۴

۳.. نساء / ۴۰

و در مورد و جزای روز رستاخیزی فرماید: «وَنُضِعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا»<sup>(۱)</sup> «ما ترازوهای عدالت را در روز قیامت برپا می کنیم و به هیچ کس کمترین ظلم ستمی نخواهد شد.»

باید توجه داشت که منظور از میزان در این جا وسیله ی سنجش نیک و بد است نه ترازوهای مانند ترازوهای این جهان.

### **د: دعوت قرآن به عدل و داد**

قرآن با صراحت و به عنوان یک اصل اساسی، می فرماید: «انّ الله يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَالْإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»<sup>(۲)</sup>

خداوند به عدل و احسان درباره ی همه و بخشش نسبت به بستگان و خویشاوندان دستور می دهد و از کارهای زشت و منکر و ظلم نهی می کند.

جالب توجه اینکه همان گونه که ظلم کردن کار زشت و قبیحی است پذیرش ظلم و زیر بار رفتن نیز از نظر اسلام و قرآن غلط است، چنان چه در قرآن می فرماید: لَا تَظْلِمُونَ و لَا تُظْلَمُونَ<sup>(۳)</sup> (نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم روید).

۱.. انبیاء / ۴۷

۲.. نحل / ۹۰

۳.. بقره / ۲۷۹

اصولاً تسلیم در برابر بیدادگران موجب تشویق ظلم و توسعه  
ستم و اعانت ظالم است .

### ه: حسن و قبح عقلی

دو دسته در میان علماء اسلام بوجود آمدند : یک دسته طرفدار  
حسن و قبح عقلی شدند و گفتند فرمان شارع تابع حسن و قبح  
و صلاح و فساد واقعی اشیاء است و دسته دیگر منکر حسن و  
قبح عقلی اشیاء شدند و گفتند حسن و قبح اشیاء تابع دستور  
شرعی است . که به گروه اول گروه عدلیه و به گروه دوم  
گروه غیرعدلیه می گویند.

این بود که علماء عدلیه گفتند که ادله شرعی چهار چیز است:

۱.. قرآن ۲.. سنت ۳.. اجماع ۴.. عقل

اما از نظر غیر عدلیه هیچ منعی ندارد که عقل از ادله شرعی  
شمردن می شود و یک پایه از پایه های اجتهاد و استنباط  
احکام شرعی قرار می گیرد از نظر آنها تعبد محض حکم فرما  
است .

## و: عدل در جهان پهناور

اگر در جهان پهناور نظری افکنیم و شئون عدل را ملاحظه بکنیم از موجودات زمین تا افلاک این ستاره هایی که هستند در مدار هایی که دارند با فاصله معینی در گردش اند که اگر کمی جلو یا عقب شوند نظم کلی عالم به هم می خورد مثلاً فاصله زمین تا ماه را از آفتاب ۹۰ میلیون ذکر کردند که اگر کمتر از این باشد زمین آتش می گیرد و اگر بیشتر باشد یخ می زند.

## ز: عدل الهی در برابر بندگان

دیگر از شئون عدل الهی ، عدل در اعمال و افعال بندگان است که راستی به حساب دقیق پیاده می شود چه ما بفهمیم و چه نفهمیم صبح که از خانه در می آیی هر حرکتی که بکنی عدل خداوند سبحان با تو است ، پول به فقیر دادی در برابرش از افتادن در گودال نجات پیدا می کنی «لقمه بلقمه» به منزل که آمدی می گویند بچه می خواست از بام بیفتد خدا رحم کرد و نیفتاد.

**ح: چرا عدل از اصول دین شمرده می شود:**

عدل را دومین اصل از اصول دین و مذهب می‌شمارند ممکن است در بعضی ذهنها بیاید چرا دومین اصل را عدل می‌شمارند در حالی که عدل از صفات خداوند سبحان است و سایر صفات را اصل نشمرده‌اند؟

پاسخ این سؤال این است که عدل منشأ بسیاری از صفات و اساس بسیاری از صفات و اساس بسیاری از اعتقادات ما به شمار می‌رود.

نبوت و امامت، جبر و تفویض، قضاء و قدر، معاد، به عدل مربوط می‌شود.

### **ط: با قبول عدل جبر باطل می‌شود:**

لازمه عدل الهی است که بشر بی سرپرست نگذارد (یعنی پیغمبر برایش بفرستد) چون خداوند عادل است پس از پیغمبر نیز امتش را بی سرپرست رها نمی‌کند و برایش امام تعیین می‌کند و می‌فرماید: حتی معجزه دادن به پیغمبر و امام و معرفی آنان و ابطال جبر و تفویض به عدل بر می‌گردد. کسی که به یقین ماست خدا عادل است اگر تمام عالم جمع شوند. و قول جبر را به او پیشنهاد



کنند نخواهند پذیرفت چون خدای عادل چگونه کسی را  
مجبور به عملی می کنند که خودش از آن نهی فرمود  
پس اورابه خاطر انجام آن عمل عقوبت می نماید؟ پس جبر  
باطل است.

### ی:عدل به خدا آن است که شرک نوزی:

عدل به خدا در مرتبه اول آن است که برایش شریک قائل  
نشوی ، اگر شریک آوردی ظالم هستی. آنچه آن که خداوند در  
قرآن می فرماید: «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»<sup>(۱)</sup>

ریاء شرک به خداست هوا پرستی برای خداوند در عبادت  
شریک آوردن است می بیند با تهدید بشری از میدان به در می  
رود لکن از تهدید های الهی نمی هراسد معلوم می شود ایمان  
نیست یا کم است<sup>(۲)</sup>

---

۱.. لقمان / ۱۳

۲.. شهید دستغیب، عبدالحسین، عدل ۳۵۰

## نتیجه گیری:

با توجه به این تحقیق مختصر در یافتیم که خداوند متعال عین عدل است و هیچ کاری بدون عدل انجام نمی دهد؛ و به هیچ کس ظلم نمی کند و برای اشاعره ای که می گویند که کارهای ما در این جهان جبری است و هیچ اختیاری از خودمان نداریم معلوم شد که اگر قائل به جبر شویم عدالت خداوند را زیر سؤال می بریم، در حالی که خداوند متعال عادل است.

امید است که با این تحقیق مختصر توانسته باشیم که هم عقاید خودمان و هم عقاید عزیزان در مورد خداوند عادل افزایش داده باشیم.

**ومن الله التوفیق**

**علی محمدی**

منابع و مأخذ:

ردیف	نام کتاب	مؤلف	چاپ	سال چاپ	محل چاپ	ناشر
۱	قرآن کریم					
۲	نهج البلاغه	محمد دشتی	سوم	۱۳۸۶	تهران	انتشارات پیام عدالت
۳	سیری در نهج البلاغه	شهید مرتضی مطهری	۴۸	۱۳۹۰	قم	انتشارات صدرا
۴	بیست گفتار	شهید مرتضی مطهری	۳۸	۱۳۹۱	قم	انتشارات صدرا
۵	عدل الهی	شهید مرتضی مطهری	۳۷	۱۳۹۰	قم	انتشارات صدرا
۶	عدل	شهید عبدالحسین دستغیب	اول	۱۳۷۳	قم	موسسه دارالکتاب
۷	۵۰ درس عقائد برای جوانان	آیت الله مکارم شیرازی	نهم	۱۳۷۶	قم	مدرسه امام علی (علیه السلام)